

همراه با نگاهی به تجربه مجارستان

تهیه و تنظیم: عبدالعلی شلالوند

واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی در فرآیند اصلاحات اقتصادی

اشاره:

در آخرین روزهای ماه تیر، خبرگزاری‌های جهانی از تصویب قانون سرمایه‌گذاری‌های خارجی در آلبانی خبر دادند. بدین ترتیب بسته‌ترین اقتصاد جهان نیز نتوانست در برابر وزش نسیم جهانی و تاریخی فرآیند اصلاحات اقتصادی، بیش از این مقاومت کند و به ناچار آغوش خود را بر روی این مولود دهه آخر قرن بیستم گشود.

روند تکاملی و تاریخی اندیشه‌های اقتصادی متأثر از مهمترین رویدادهای سیاسی و اقتصادی جهان در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، از جمله وقوع پسرسترویکا و گلاسنوست به رهبری میخائیل گورباچف در اتحاد شوروی و ایجاد تغییرات عمیق در سیاست‌های اقتصادی این مهد اقتصاد متمرکز و دولتی در جهان و گرایش به سوی اتخاذ مکانیسم‌های بازار، دخالت دادن بخش خصوصی و پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی، یکی از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مراحل خود را پشت‌سر نهاد.

امروز در اقصی نقاط عالم از چین تا اروپا و از هند تا آفریقا و سپس تا آمریکای لاتین،

اندیشمندان پیشرو و فرزندان بزرگ دانش اقتصاد، با جسارتی مسئولانه و مدبرانه و به منظور پاسخگویی به ضرورت‌های تاریخی، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و صنعتی خود را مورد تجدیدنظر و بازنگری همه‌جانبه قرار داده و با هدف تحرک بخشیدن و کارآمد نمودن اقتصاد، تدابیر نویسی را در پیش گرفته‌اند.

اصلاح نرخ ارز، تشویق سرمایه‌گذاری و دخالت بیشتر بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی، جلب سرمایه‌گذاری خارجی، حذف موانع غیر ضروری در واردات و توسعه صادرات صنعتی از مهمترین محورهای فرآیند

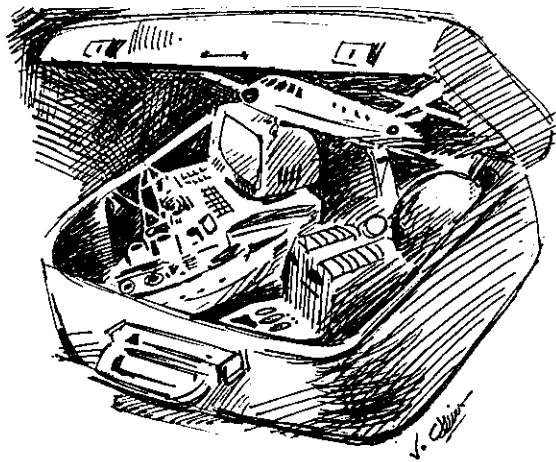
اصلاحات اقتصادی می‌باشد. در این نوشتار مسئله واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی به عنوان سیاستی برای مشارکت بیشتر بخش خصوصی در اقتصاد و برخورد قانون برنامه پنجساله اول جمهوری اسلامی ایران با این مقوله و نیز برخی جنبه‌های مربوط به تجارب کشور مجارستان در این زمینه، مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد.

خصوصی کردن، اهداف، شیوه‌ها و تنگناها

شاید بتوان گفت که یکی از مهمترین و در عین حال دشوارترین تدابیر اجرایی در فرآیند اصلاحات اقتصادی، واگذار کردن موسسات و شرکتهای دولتی به بخش خصوصی و یا اصطلاحاً «خصوصی کردن»^(۱) می‌باشد. گرچه امروزه روند تاریخی اصلاحات اقتصادی را مختص کشورهای به اصطلاح جهان سوم به حساب می‌آورند، ولی تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که مقوله خصوصی کردن قبل از همه کشورها، ابتدا در سال ۱۹۷۹ در انگلستان تحقق یافته است.

مهمترین هدف واگذاری نهادهای اقتصادی به بخش خصوصی، تمرکززدایی^(۲) در کل اقتصاد و مشارکت بیشتر این بخش در فعالیتهای تولیدی و خدماتی و از این طریق، دستیابی به سایر پیامدهای مثبت و تعیین‌کننده آن می‌باشد. بدین قرار می‌توان اهم اهداف خصوصی کردن را بشرح زیر برشمرد:

- ۱- جلوگیری از روند فزاینده زیان‌دهی بخش عمومی.
- ۲- تأمین منابع مالی از طریق فروش موسسات دولتی.
- ۳- ایجاد و تشویق کارآئی، بازدهی و رقابت در صحنه فعالیتهای تولیدی و اقتصادی.
- ۴- تمرکززدایی در فرآیند تصمیم‌گیری در کل اقتصاد.



۵- جذب نقدینگی بخش خصوصی و هدایت موثر آن در مجاری تولیدی و در نهایت غلبه کردن بر فشارهای تورمی.

در زمینه شیوه‌های واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی در هریک از کشورها به تناسب شرایط عام اقتصادی کشور و نیز موقعیت شرکتها، روش‌های مختلفی اتخاذ شده است. بنابراین در واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی دو عامل مهم یعنی محدودیت‌های قانونی و موقعیت و شرایط مالی عمومی دخیل بوده و انتخاب این یا آن روش خاص را مرجع می‌سازد. عمده‌ترین روش‌های واگذاری را می‌توان چنین برشمرد:

الف- فروش تمام یا بخشی از سهام شرکت به کارکنان.

ب- انتشار سهام شرکت در اتاق بورس و عرضه آن به عامه مردم.

ج- واگذاری موقت و ادواری شرکت به متقاضیان (اجاره).

د- فروش کامل شرکت به یک یا چندین نفر از اشخاص حقیقی یا حقوقی در بخش خصوصی.

ه- انحلال شرکت و فروش اموال منقول و غیرمنقول آن.

خاطر نشان می‌نماید که روش اخیر در مورد شرکت‌هایی اتخاذ می‌شود که به هیچ شکل نمی‌توان از زیان دهی آنها جلوگیری کرد و اصولاً ملاحظاتی بازار، ادامه فعالیت آنها را توصیه نمی‌کند.

کار واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی معمولاً بدلیل مشکلات ساختاری کشورهای در حال توسعه باتنگناها و دشواری‌های متعدد و گوناگونی مواجه می‌شود که اهم این معضلات ناشی از فقدان سرمایه داخلی و ناتوانی در ارزیابی صحیح، دقیق و سریع موقعیت و جنبه‌های مالی شرکت‌ها و ضعف‌های نهادین دستگاه‌های دولتی برای انجام بموقع تغییرات می‌باشد.

علیرغم وجود پارامی مشکلات و موانع بعضاً دشوار در کار واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی،

با این حال امروزه در اغلب کشورها این روند با شدت و ضعف جریان دارد. حوزه جغرافیایی این جریان تمامی آسیا، آمریکای لاتین، آفریقا و بخش‌هایی از اروپا را دربر می‌گیرد. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که تقریباً از اواخر دهه ۱۹۸۰ کار خصوصی کردن در بسیاری کشورها آغاز شده و مراحل تکامل یافته‌ای را می‌گذراند.

در این رابطه می‌توان به طور اجمال به کشورهای چون: چین، هندوستان، ترکیه، فیلیپین، مالزی، آرژانتین، برزیل، شیلی، مکزیک، پاناما، کاستاریکا، کامرون، غنا، کنیا، سنگال، نیجریه، سودان، سومالی، مجارستان، لهستان، چکسلواکی، شوروی، اسپانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، انگلستان و کانادا اشاره کرد. در برخی کشورها بدلیل اهمیت مسئله

• مهم‌ترین هدف، واگذاری نهادهای اقتصادی به بخش خصوصی تمرکززدایی در گسل اقتصاد است

• در زمینه شیوه‌های واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی در هریک از کشورها به تناسب شرایط عام اقتصادی کشور و نیز موقعیت شرکتها روش‌های مختلفی اتخاذ شده است

خصوصی کردن و نقش بالقوه عظیم آن در به حرکت در آوردن و کار آمد کردن اقتصاد، وزارتخانه مستقلی را برای این کار تأسیس کرده‌اند که لهستان و کانادا در این جرگه قرار می‌گیرند.

زمینه‌های قانونی و پیشرفت‌های اجرایی خصوصی کردن صنایع در ایران

محققاً یکی از مصادیق بارز حضور گسترده و همه جانبه دولت در امور اقتصادی، کشور ما می‌باشد. قوانین مصوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی عموماً ناظر بر گسترش میزان دخالت و نظارت دولت در امور اقتصادی بوده است که می‌توان به قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران (مصوب شورای انقلاب، سال ۱۳۵۸) و قوانین مربوط به تأسیس وزارتخانه‌های معادن و فلزات و صنایع سنگین (مصوب مجلس شورای اسلامی سال‌های ۶۱ و ۶۰) اشاره کرد.

بر اساس قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، مسئولیت اداره و نیز مالکیت بسیاری از واحدهای صنعتی کشور پس از سال ۱۳۵۹ بر عهده دولت قرار گرفت و شاید به استناد چنین واقعیتی در آن روزها مسئله تفکیک

وزارت صنایع و معادن به سه وزارتخانه مستقل و جداگانه، در دستور کار دولت و مجلس شورای اسلامی قرار گرفت به موجب چارت سازمانی وزارت صنایع در سال ۱۳۶۰، ۱۴ معاونت جداگانه در این وزارت ایجاد شد که هریک از معاونت‌ها با پنج اداره کل مسئولیت نظارت بر فعالیت‌های صنعتی در یکی از رشته‌های صنعت را برعهده داشتند. با گذشت زمانی کوتاه از تصویب این چارت، که در برگیرنده ۷۰ مدیر کل و نزدیک به ۶۰۰ پست کارشناسی بود، وزیر وقت صنایع با توجه به نو پا بودن دولت انقلاب و فقدان تشکلهای سازمانی و کادری تخصصی در روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، در سازماندهی تشکیلات و انتصاب معاونان و مدیران کل با دشواری‌های پیچیده‌ای مواجه شد و بالاخره در سال‌های بعد این تفکر افراطی دچار تعدیل شد و چارت سازمانی سابق با برخی تغییرات مجدداً در دستور کار وزارت صنایع قرار گرفت.

گرچه با توجه به وقوع انقلابی عظیم در ایران و نیز تحمیل جنگی بلند مدت توسط دشمنان شریک و بداندیش بر جمهوری اسلامی ایران، توجهات و ادله فراوانی جهت دخالت گسترده دولت در کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی وجود داشت، ولی به دلایل متعدد، امروز شاهد هستیم که در کنار دستاوردهای عظیم تاریخی و ملی انقلاب اسلامی در نبردی نابرابر با وسیع‌ترین تهاجمات همه جانبه نظامی، سیاسی و اقتصادی دشمنان، ناکامی‌ها و عدم موفقیت‌هایی نیز در اداره کار آمد اقتصاد کشور و بهره برداری بهینه از ظرفیت‌های تولیدی و ایجاد اشتغال و مهار تورم وجود داشته است. مسلماً امروز با آغاز دوران بازسازی و در شرایط تثبیت و تحکیم پایه‌های اجتماعی، اقتصادی نظام جمهوری اسلامی، می‌توان با تجدید نظرهای اساسی و صحیح در سیاست‌های اقتصادی راه را برای حرکت به سوی اقتصادی مولد و رهائی بخش از فقر و وابستگی و عقب ماندگی، بیش از پیش هموار کرد.

در گزارش بازدید کارشناسان بانک جهانی از ایران که طی سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ به عمل آمده اهم مشکلات و تنگناهای بخش صنعت چنین بر شمرده شده است:

- ۱- رشد منفی طی دهه ۱۹۸۰.
- ۲- اتکای شدید بر واردات.
- ۳- سطح نازل بهره برداری از ظرفیت‌ها.
- ۴- تعداد مراکز تصمیم‌گیری و ناهماهنگی بین وزارتخانه‌ها و سازمان‌های صنعتی.
- ۵- ضعف مدیریت و سازماندهی.
- ۶- عدم قابلیت رقابت.
- ۷- فقدان انگیزه و دخالت ناچیز بخش خصوصی و مشارکت غیر فعال آن در فعالیت‌های صنعتی.

گزارش فوق الذکر در مبحث ویژه خود به عنوان راه حل‌ها و توصیه‌ها برای برون رفت از وضعیت نامطلوب گذشته، علاوه بر بررسی جنبه‌های عمومی اصلاحات صنعتی و اقتصادی نظیر نرخ ارز و لغو نظام قیمت گذاری به ضرورت مشارکت دادن بخش خصوصی در سرمایه گذاری‌های صنعتی از طریق واگذار نمودن بخش عمده‌ای از صنایع کشور به این بخش اشاراتی موکد و عمیق مبذول داشته است.

جهت‌گیری‌های اساسی و خطوط کلی برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، عمده‌ترین محورهای اصلاحات اساسی اقتصادی، از جمله واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی را هدف قرار داده است.

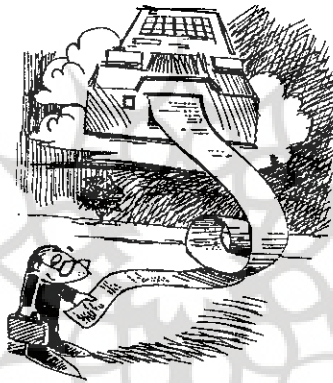
یکی از مهمترین فراه‌ها در خط مشی‌های برنامه پنجساله، «هدایت نقدینگی بخش خصوصی به فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری^۳ و تشویق و حمایت از ایجاد تشکلهای صنعتی و معدنی و تخصصی و واگذاری سهام صنایع دولتی و ملی شده به مردم می‌باشد.

در اجرای اهداف و سیاست‌های مصرح برنامه پنج ساله در مورد واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، طی سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ کوشش‌ها و تلاش‌های مجدانه‌ای توسط مسئولان سازمان‌ها و شرکت‌های صنعتی دولتی به عمل آمده است. مطابق گزارش‌های موجود، در این مدت سهام بسیاری از شرکت‌های صنعتی وابسته به سازمان‌های دولتی از جمله سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (وزارت صنایع سنگین) و سازمان صنایع ملی ایران (وزارت صنایع) در بورس سهام عرضه شده و یا به کارکنان همین شرکت‌ها واگذار گردیده است.

گرچه براساس گزارش‌های اخیر مسئولان ذیربط، کار عرضه سهام شرکت‌های صنعتی با استقبال دور از انتظار مواجه شده است، ولی می‌توان در آینده نزدیک با به بار نشستن سایر اقدامات اصلاحی دولت نظیر حذف مقررات دست و پاگیر و لغو نظام قیمت‌گذاری و عقلانی کردن و یکسان ساختن نرخ ارز، شاهد موفقیت‌های بزرگتری در فروش سهام کارخانجات دولتی

و مشارکت گسترده بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری صنعتی و در نهایت حصول موفقیت در مهار تورم و افزایش تولید در سطح کشور بود. نباید از نظر دور داشت که فرآیند اصلاحات اقتصادی و به ویژه واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی مسیری پرفراز و نشیب و توأم بامشکلات و دشواری‌های گوناگون می‌باشد. همانطور که گذشت ضعف و نارسائی‌های قانونی، اجرائی و تشکیلاتی در

• مجارستان برای حمایت و کمک به روند خصوصی کردن شرکت‌های بزرگ ایجاد «نظام استیجاری» را توصیه می‌کند



• فرایند خصوصی کردن باید فرصتی باشد تا شرکت‌های مجاری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری، مدیریت و تکنولوژی پیشرفته بهره‌مند شوند

• فرایند خصوصی کردن باید با هدف ایجاد ساختار رقابتی توأم باشد

دستگاه‌های دولتی تاکنون سبب کندی روند واگذاری بوده است.

در حالی که هیچگونه مانع سیاسی و قانونی عمده برای واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی وجود ندارد، با این حال به دلیل رخنه و سستی دیرینه نهادین در برخی دستگاه‌های اجرائی، این کار بزرگ و اساسی به شکل مطلوب و در حد مورد انتظار پیشرفت نداشته و نتایج لازم را حاصل نکرده است.

به عنوان حسن ختام این مبحث، به گوشه‌ای از

اظهارات مدیر عامل محترم شرکت موتوژن در ارتباط با مشکلات و نارسائی‌های واگذاری و فروش سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی اشاره می‌شود:

«... اگر این نوع حرکات تداوم پیدا کنند، عملیاتی که باید در ظرف معقول زمانی انجام بگیرد، به هفته‌ها و ماه‌ها سپرده می‌شود و نهایتاً تمام فعالیت‌های اقتصادی دولت را مورد تهدید قرار می‌دهد. یعنی تصمیم گرفته می‌شود سهامی در یک فرصت زمانی عرضه شود، ولی کندکاری سازمان‌های دیگر باعث می‌شود که این حرکت‌ها عقیم بماند و این خطری است که فکر می‌کنم مدیران دیگر هم با آن مواجه هستند...»^۵

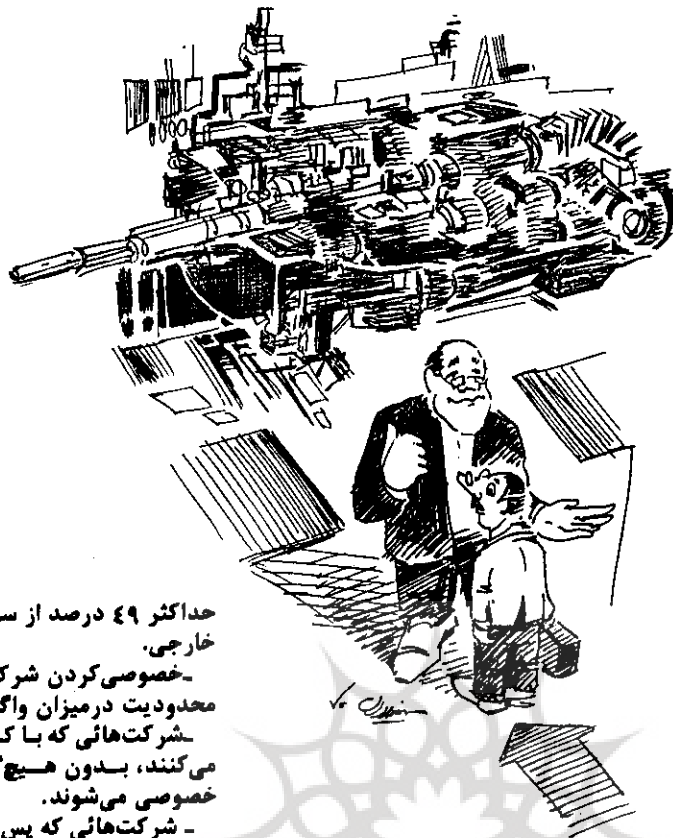
- نگرشی اجمالی به برخی تجارب مجارستان در واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی

وزارت صنایع و بازرگانی مجارستان گزارشی را تحت عنوان «استراتژی خصوصی کردن» در فروردین ماه ۱۳۷۰ (آوریل ۱۹۹۱) منتشر کرده است که حاوی نکاتی بس مهم در این زمینه می‌باشد. نظر به اهمیت مطالب این گزارش و ضرورت آشنائی و بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها در فرآیند اصلاحات اقتصادی، ذیلاً به برخی نکات گزارش مذکور اشاره می‌شود:

باید توجه داشت که نقطه شروع کار ما برای انجام اصلاحات اقتصادی، بهبود بخشیدن به ظرفیت‌ها و گردش کار اقتصاد و نیز ایجاد نظام اجتماعی-اقتصادی مبتنی بر دارائی خصوصی^۶ می‌باشد. در فرآیند اصلاحات اقتصادی و خصوصی کردن امور صنعتی، رعایت اصول استراتژیک ذیل ضروری می‌باشد:

۱- در ساختار مالکیت در کشور مجارستان میزان سهم خارجی‌ها، سهم بخش‌های دولتی و خصوصی و نیز سهم کارفرما^۷ و کارکنان، حائز اهمیت است. لذا ضروری است که در بخش‌هایی از اقتصاد که مالکیت دولتی وجه غالب آن را تشکیل دهد و نیز مناطق و حوزه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی تعیین شود. در استراتژی صنعتی و بازرگانی، این مسائل از جایگاه بس مهمی برخوردار هستند.

۲- در فرآیند ایجاد ساختار مالکیت‌های داخلی^۸ باید دست یابی به «دارائی» هم از طریق مکانیسم‌های بازار و هم یاسایر روش‌ها، ممکن باشد. از این رو باید مسئله نهادین ساخت مالکیت^۹ را مهم تلقی کرد و با ارائه کمک‌ها و حمایت‌های مالی، تسهیلات لازم را فراهم نمود. در مورد کسب سود دارائی توسط افراد بخش خصوصی، باید روی شیوه‌های بازار تاکید شود، زیرا تقاضای محدود از یک سو و خصلت پیچیده و غامض ساختار اعتبارات حمایتی و شرایط دشوار مالی از دیگر سو، این فرآیند را از انگیزش‌های لازم تهی ساخته است. بنابراین برای حمایت و کمک به روند خصوصی کردن شرکت‌های



- حداکثر ۴۹ درصد از سهام به طرف‌های خارجی.
- خصوصی کردن شرکت‌ها بدون هیچ‌گونه محدودیت در میزان واگذاری سهام.
 - شرکت‌هایی که با کارآئی مناسب کار می‌کنند، بدون هیچ‌گونه محدودیتی خصوصی می‌شوند.
 - شرکت‌هایی که پس از تثبیت وضعیت، به بخش خصوصی واگذار می‌شوند.
 - شرکت‌هایی که در وضعیت بدی قرار داشته و دولت نتواند در آنها سرمایه‌گذاری کند، در صورتی که خریدار نداشته باشند، تصفیه می‌شوند. □

*** واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی معمولاً به دلیل مشکلات ساختاری کشورهای در حال توسعه با تنگناها و دشواری‌های متعدد مواجه می‌شود**

*** در ساختار مالکیت در کشور مجارستان میزان سهم خارجی‌ها، سهم بخش‌های دولتی و خصوصی و نیز سهم کارفرما و کارکنان حائز اهمیت است**

پانوشت‌ها:

- 1) PRIVATIZATION
- 2) DECENTRALIZATION
- (۳) و (۴): بندهای ۱۲-۴ و ۳۷-۴ از خط‌مشی‌های برنامه پنجساله، کتاب قانون برنامه پنجساله صفحه ۲۹.
- (۵) نقل از هفته‌نامه گسترش صنعت سنگین، شماره ۵۰، مورخ ۱۳۷۰/۴/۱۲

- 6) PRIVATE PROPERTY
- 7) ENTREPRENEUR
- 8) DOMESTIC OWNERS' STRUCTURE
- 9) INSTITUTIONAL OWNERSHIP
- 10) LEASING STRUCTURE
- 11) DEVELOPED MARKET ECONOMIES
- 12) OWNERSHIP INTEGRATION
- 13) COMPETITIVE STRUCTURE
- 14) DE- MONOPOLISATION
- 15) DE- CENTRALISATION
- 16) SOCIALLY UNCONTROLLABLE PROCESSES
- 17) INDIVIDUAL PRIVATISATION
- 18) SECTORAL RESTRUCTURING

نخواهد بود و خصوصی کردن باید در خدمت اهداف کلی اقتصادی و سیاسی قرار داشته باشد.

برخی ملاحظات مهم

عمده‌ترین صور خصوصی کردن را می‌توان به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

- خصوصی کردن شرکت‌ها و نگهداری ۵۱ درصد از سهام برای دولت به منظور سهیم بودن در مالکیت و تضمین اجرای تصمیمات استراتژیک در حوزه صنعت و اقتصاد کشور.

- خصوصی کردن شرکت‌ها و واگذاری

بزرگ، باید به ایجاد «نظام استیجاری»^{۱۰} متوسل شد.

۳- فرآیند خصوصی کردن باید فرصتی باشد تا شرکت‌های مجاری با سیستم‌های صنعتی و بازرگانی اقتصادهای پیشرفته مبتنی بر بازار پیوند برقرار کرده و از فرصت‌های سرمایه‌گذاری مدیریت و تکنولوژی پیشرفته بهره‌مند شوند. اروپای غربی و نیز نواحی مرکزی اروپا، برحسب روابط بازرگانی، مقیاس، موقعیت جغرافیایی، سنت‌های تاریخی و تئوریک، می‌تواند سرمایه‌گذار بالقوه‌ای به حساب آید. ادغام مالکیت‌ها^{۱۲} می‌تواند مبنای برقراری پیوند تدریجی با همبستگی اروپایی باشد. همچنین باید توجه داشت که سرمایه‌گذاران آمریکای شمالی، شرق دور و کشورهای نفتی، از مزایای دیسگری برخوردار هستند.

۴- فرآیند خصوصی کردن باید باهدف ایجاد ساختاری رقابتی^{۱۳} و جایگزین ساختن آن به جای نظام انحصاری و متمرکز فعلی به کار گرفته شود. برای انجام این مهم باید خصوصی کردن با انحصار زدائی^{۱۴} و تمرکز زدائی^{۱۵} قرین گردد.

۵- وبلاخره باید خاطر نشان کرد که خصوصی کردن در اکثر شرکت‌ها باید با بازسازی و تجدید ساختار کامل واحد اقتصادی همراه باشد (و این کار با مسائل بازار، تولید، تکنولوژی، مدیریت، سازمان و سازمان مالی مرتبط می‌شود). در غیر این صورت اکثریت شرکت‌ها برای خصوصی کردن مناسب نخواهند بود و تصفیه فیزیکی آنها اجتناب ناپذیر می‌شود و این کار، پویای‌های اجتماعی غیر قابل کنترلی^{۱۶} را به دنبال خواهد داشت.

به غیر از وظایف فوری وحادی که در موارد استثنائی بروز می‌کند، اصولاً به مفهومی جامع از خصوصی کردن نیاز داریم که نکات ذیل را دربرداشته باشد:

اولاً: برای تصمیم‌گیری در مورد خصوصی کردن انفرادی^{۱۷}، شیوه‌های همانندی را ارائه کند.

ثانیاً: برای شناخت و ایجاد هماهنگی در منافع اقتصادی در سطح شرکت‌ها، بخش‌ها و در سطح ملی، فرصت‌هایی را به وجود آورد.

ثالثاً: به کمک نتایج آن بتوان فرآیند خصوصی کردن را به انجام رسانید و ساختار مالکیتی مورد انتظار را ایجاد کرد.

فرآیند خصوصی کردن نه تنها تجدید ساختار مالکیت را سرلوحه، کار خود قرار می‌دهد، بلکه برای افزایش کارآئی اقتصادی نیز ابزار مهمی به حساب می‌آید. از این رو خصوصی کردن، از زاویه دید وزارت صنایع و بازرگانی مجارستان به مفهوم ایجاد مقتضیاتی است که هماهنگ با بازسازی بخشی (۱۸)، مکان و نحوه خصوصی کردن را به گونه‌ای معین کند که به تلاش‌های صنعتی، بازرگانی و سیاسی کمک نماید.

فروش دارائی‌های دولت به معنی کاهش نقش و مسئولیت‌های آن در اجرا و اداره کارآمد اقتصاد